یادداشت

شاخص‌های انتخاب اصلح

عبدالرسول خلیلی

دور دوم انتخابات چهاردهمین دوره ریاست‌جمهوری با مشارکت حدود ۴۰درصدی از سوی مردم به ۱۵ تیرماه ۱۴۰۳ کشیده شد. در این مرحله مسعود پزشکیان با ۴۳ درصد آرا (۱۰میلیون‌و ۴۱۵هزارو ۹۹۱ رأی) و سعید جلیلی با ۳۹ درصد آرا (۹میلیون‌و ۴۷۳هزارو ۲۹۸ رأی) به رقابت می‌پردازند.

قراین نشان می‌دهد که امکان موفقیت پزشکیان در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری بیش از جلیلی است. هرچند گفته شده است که مشارکت رأی‌های خاموش به این موفقیت قوام بیشتری خواهد داد. انتخاب پزشکیان هیچ ربطی به رویکرد دولت حسن روحانی نداشته و به نظر می‌رسد بیش‌ازپیش به دولت سیدمحمد خاتمی نزدیک باشد. پزشکیان نیز خود را امتداد دولت خاتمی معرفی کرده است؛ هرچند شرایط ایران و جهان امروز با ۲۰ سال پیش به کلی متفاوت است و مستلزم چشم‌اندازهای دقیق‌تری برای حل مسائل ایران است. چنان‌که انتخاب برخی از دولتمردان روحانی مانند طیب‌نیا و ظریف می‌تواند اقتصاد مبتنی بر جذب سرمایه خارجی و هدف‌گذاری ایجاد اشتغال و فرصت‌های شغلی را تسهیل کند. در میان این انتخاب، اندیشه‌های دکتر شریعتی شاخص‌های تعیین‌کننده‌ای را برای انتخاب اصلح از میان این دو کاندیدای موجود معلوم می‌کند. از نظر شریعتی، برای اینکه به تولید اقتصادی برسیم، باید به تولید فرهنگی رسیده باشیم. اول باید به تولید فرهنگی برسیم و بعد به تولید اقتصادی؛ در غیراین‌صورت همیشه مصرف‌کننده باقی خواهیم ماند. این رویکرد به‌راستی می‌تواند حل‌کننده بسیاری از مشکلات خودخواسته در جامعه ایران امروز باشد. باید اقتصاد و فرهنگ، هر دو را با هم پیش برد و تا وقتی انسان به آگاهی انسانی لازم نرسیده باشد، نمی‌تواند به آگاهی اقتصادی برسد.

آدمی اول باید انسان بشود، تفکر داشته باشد، قدرت انتخاب داشته باشد، خلاقیت داشته باشد، حرف اروپایی را تکرار نکند و از خودش صحبت کند. او تا وقتی که از لحاظ شناخت اجتماعی به یک مرحله بالاتری نرسیده باشد، آیا می‌تواند از جامعه‌شناسی اروپا مستقل شود؟ برای اینکه بتوان از غرب مستقل شد، باید غرب را شناخت و برای رسیدن به مرحله‌ای از استقلال فردی و انسانی باید غرب را شناخت تا بتوان از آن مستقل شد، به عبارتی دیگر، آن‌چنان که در مجموعه آثار، شریعتی در قسمت دوم کدام خویشتن فرهنگی می‌گوید، برای مبارزه با غرب باید غرب را شناخت. اگرچه هرچه آنها بگویند، ما عکس آن را عمل کنیم، این ارتجاع است و ممکن است از همین هم که داریم باز بمانیم.

در اندیشه‌های امروز مدل‌های نظری هستند که می‌توان از طریق آنها نگاه و اندیشه‌های متفکران را در زمان‌های مختلف متناسب با رخدادهای نو منطبق کرد و نتایج لازم را برای بهره‌گیری در زمان حال گرفت. ازجمله افرادی که هنوز اندیشه‌های او را می‌توان متناسب با وقایع روزآمد کرد و استفاده لازم را از آن گرفت، آرا و نظریه‌های دکتر علی شریعتی، پرچم‌دار نوگرایی دینی معاصر، است. زمانه نشان می‌دهد که نوع نگاه او در برخورد با مسائل امروز کهنه نشده و برخلاف علم‌مداران ضد روش هنوز می‌توان از افکار و اندیشه‌های او برای بهبود وضع موجود ایران استفاده کرد. وضع موجودی که روزبه‌روز پیچیده‌تر شده و می‌شود. داشتن نگاه روش‌شناختی مناسب می‌تواند عاملی باشد تا از این طریق افکار روشنفکران غیر روشمند و ناکارآمدانی را که تحجر در ذات افکار آنهاست، به‌روزرسانی کرد، آن‌چنان که اندیشه‌های امروزین کارل رایموند، پوپر را سقراط می‌سازد، و اسلاوی ژیژک را ژاک لکان روان‌کاو پساساختارگرای فرانسوی می‌سازد که داعیه بازگشت به فروید را داشت و نظم‌های سه‌گانه‌ای را بنیان گذاشت و اندیشه‌های ژولیا کریستوا را که نظم نشانه‌شناختی را به نظم‌های سه‌گانه او افزود. علی شریعتی اندیشمند انقلابی‌ای که اندیشه‌های او سرآمد روشنفکران و اندیشه‌ورزان بعد از انقلاب اسلامی است، تا جایی که هنوز جای خالی او را بعد از انقلاب کسی نتوانسته پر کند. کسانی که قدرت و مناسبات قدرت چشم‌شان را کور کرده است. شریعتی میراث‌دار اندیشه‌های نوگرا در حوزه دین و شیعه انقلابی است.

ازاین‌رو چارچوب فکری به‌مثابه مدلی که بتواند رویدادهای اخیر ایران را در انتخاب رئیس‌جمهور در دور دوم ۱۵ تیرماه ۱۴۰۳ به بررسی و تحلیل بکشاند، همانا استفاده از مدل روش‌شناختی تحلیل گفتمان انتقادی براساس نظریات دکتر شریعتی است. تحلیل گفتمان انتقادی که رویکردی بینارشته‌ای براساس مطالعه گفتمان است که زبان را به‌عنوان شکلی از کارکرد اجتماعی بررسی کرده و بر نحوه بازتولید قدرت اجتماعی و سیاسی از طریق متن و گفت‌وگو تاکید می‌کند. این دیدگاه علمی در اندیشه اندیشمندان امروز ما با هدف قدرشناسی از بزرگان متفکر گذشته و یافتن راه‌حل‌های بنیادین حائز اهمیت است. شریعتی اندیشمندی نوگرا بود که به دنبال تلفیقی از سنت و مدرنیته برای پیشرفت و توسعه جامعه ایرانی بود. او مذهب راستین را به‌مثابه مقابله با پوپولیسم می‌دانست که اندیشه دینی را با هدف استفاده ابزاری از مردم جایز می‌دانند. عملکرد این طایفه بعد از انقلاب به‌ویژه بعد از سال ۱۳۸۴ مشخص شده است.

ادامه در صفحه ۸

گزارشی از بازخوانی یک اتفاق تلخ

کرسنت؛ پرونده اقتصادی-سیاسی با هزینه ۵۰ میلیارد دلاری

بهمن احمدی‌امویی

۲۳ سال از امضای قرارداد کرسنت می‌گذرد؛ قراردادی که در تمامی این سال‌ها، ایران از اجرای آن خودداری کرد. گروه‌های سیاسی برای بیرون‌راندن رقیب خود از عرصه سیاسی و اقتصادی، توجهی به منافع ایران، اعتبار آن و تعهدات بین‌المللی نکردند. دست در جیب مردم می‌کردند و میلیاردها دلار تنها بر سر اجراشدن یا اجرانشدن این قرارداد برداشت کردند. آنچه می‌خوانید خلاصه‌ای از داستان این اتفاق تلخ برای ایران است.

در ابتدای دهه ۱۳۸۰ از نظر تقاضای انرژی امارات متحده عربی بزرگ‌ترین بازار قابل توسعه منطقه خلیج فارس محسوب می‌شد. امارات با اینکه بخشی از گاز خود را با توجه به تعهدات گذشته‌اش، به صورت مایع صادر می‌کرد، اما نیاز مبرم به واردات گاز داشت. امارات متحده عربی از دو منبع و با استفاده از خط لوله می‌توانست گاز مورد نیاز خود را تأمین کند؛ قطر و ایران. در آن زمان، امارت ابوظبی در حال مذاکره با قطر بود و شرکت ملی نفت و گاز ایران نیز به منظور توسعه و متنوع‌کردن بازار صادرات گاز خود، امارات متحده عربی را بازار مناسبی برای ورود خود مدنظر داشت. در سال ۱۳۷۴ قراردادی بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت توتال امضا شده بود تا گاز منطقه سیری را به صورت ترش به مقدار صد میلیون فوت‌مکعب در روز -حدود ۸/۲ میلیون مترمکعب- به قیمت هر هزار فوت‌مکعب ۸۰ سنت به امارات بفروشد. اما در سال ۱۳۷۶ توتال به وزارت نفت ایران اعلام کرد قیمت بالاست و نمی‌تواند خریداری برای این گاز ترش استحصالی همراه با نفت منطقه سیری پیدا کند. در واقع قادر به بازاریابی نبود و خواستار بازنگری در قیمت شد. قیمت پیشنهادی توتال ۴۹ سنت بود. اما وزارت نفت نپذیرفت و دو طرف دوستانه قرارداد را لغو کردند. پس از آن با یک شرکت نروژی وارد مذاکره شد؛ بر اساس ۴۹ سنت به ازای هر هزار فوت مکعب. اما آن شرکت هم نتوانست برای این گاز ترش بازاریابی کند.

در همین زمان وزارت نفت ایران هم‌زمان با شرکت گاز المبادله متعلق به ابوظبی، شرکت دوساپ متعلق به دوبی و شرکت گاز شارجه -کرسنت- وارد مذاکره می‌شود. از این مذاکرات مقدماتی نیز نتیجه‌ای حاصل نشد. بااین‌حال، به نظر می‌رسید شرکت کرسنت از امارت شارجه رغبت لازم را برای ادامه همکاری و عقد قرارداد دارد. بنا بر تأیید وزارت خارجه ایران، این شرکت متعلق به حاکم شارجه است و او نقش مهمی در اداره و مدیریت آن دارد. این اطلاعات وزارت خارجه به اطلاع شورای عالی امنیت ملی هم رسید. در نهایت قراردادی در اردیبهشت ۱۳۸۰ با شرکت کرسنت برای صادرات حداکثر ۵۰۰ میلیون فوت‌مکعب در روز با یک شرایط و زمان‌بندی مشخص به امضا رسید. در قرارداد با کرسنت، هیچ مخزن و میدان گازی خاصی به‌عنوان منبع تأمین گاز موضوع قرارداد تعیین نشده بود، اما نظر شرکت نفت این بود که بخشی از این گاز را از محل گاز همراه نفت میدان نفتی سلمان که در مشعل‌ها می‌سوخت و بخشی را نیز از مخزن مشترک گازی سلمان تأمین کند. بخشی از گاز سلمان، گاز همراه نفت بود که می‌سوخت و بخشی نیز گازی بود که می‌باید با عملیات شرکت پترو ایران به‌عنوان پیمانکار شرکت نفت، از یک مخزن گازی مشترک با ابوظبی تولید می‌شد. ایران اگر می‌خواست از گاز میدان سلمان استفاده کند، می‌بایست اقدام به ساخت پالایشگاه می‌کرد که با انعقاد این قرارداد دیگر نیازی به آن سرمایه‌گذاری نبود.

۳ مخالف کرسنت

بیژن نامدارزنگنه، وزیر نفت وقت دولت سیدمحمد خاتمی که این قرارداد در زیرمجموعه او امضا شده بود، به یاد دارد که از همان ابتدای امضای قرارداد کسانی به ما پیام دادند و گفتند نمی‌گذاریم این قرارداد اجرائی بشود. او البته نامی از این افراد نمی‌برد، ولی توضیح می‌دهد این قرارداد سه مخالف عمده داشت: ابوظبی تأمین‌کننده اصلی گاز و انرژی تمام امارات متحده عربی است و این قرارداد می‌توانست خطراتی برایش داشته باشد و نفوذ او در تمام امارات را به خطر بیندازد. گاز درواقع رگ حیاتی و عامل و نخ تسبیح بقای کشوری به نام امارات متحده عربی است؛ یعنی اگر گاز نباشد، ابوظبی بخشی اعظم از قدرت، نفوذ و توانمندی خودش را برای اداره این امارت‌ها از دست می‌دهد. شارجه به‌عنوان امارت سوم با فاصله زیاد با ابوظبی از نظر ثروت و قدرت، با روابط ویژه‌ای که با ایران برقرار می‌کرد، صاحب دسترسی به گاز، مستقل از اراده ابوظبی می‌شد و این از نظر امنیت ملی امارات به‌عنوان تهدید جایگاه ابوظبی تلقی شده و ابوظبی حاضر به پذیرش آن نبود و عملا و به صورت خاموش دعوایی شدید بین این دو امارت آغاز شد. قطر دیگر مخالفی بود که از راه‌های پیدا و پنهان تلاش داشت قرارداد کرسنت با ایران به نتیجه نرسد. این کشور در آن زمان هیچ بازاری برای فروش گاز با خط لوله به امارات نداشت. سعودی، کویت، بحرین و عراق هرکدام به دلیلی خریدار گاز قطر بودند و هنوز ظرفیت‌سازی جدیدی برای بازارهای امارات نداشت. سوم اسرائیل و آمریکا بود که اسناد منتشرشده ویکی‌لیکس مخالفت آنها با این قرارداد را نشان می‌دهد. اما این تنها مخالفان خارجی نبودند که نمی‌خواستند این قرارداد به نتیجه برسد؛ افراد و گروه‌هایی در بدنه قدرت بودند و هستند که به نظر می‌رسد در مخالفت با این قرارداد منافع مشترکی با مخالفان خارجی آن داشتند. به‌گونه‌ای که عملا و تا دو سال بعد از امضای قرارداد، کار خاصی صورت نگرفت. به نحوی که سرانجام وزارت نفت در اسفند ۱۳۸۱ در نامه‌ای به رئیس‌جمهور وقت، سیدمحمد خاتمی، خواستار مداخله دولت یا شورای عالی امنیت ملی برای تعیین تکلیف نهایی قرارداد شد. بر اساس نوشته زنگنه: ما دیگر در وزارت نفت و شرکت ملی نفت خسته شده بودیم و نمی‌دانستیم چه کنیم. همه همکاران ما در آن وزارتخانه احساس می‌کردند از همه جهت تحت فشارند و رغبتی به ادامه کار نداشتند. بنابراین متن قرارداد و تمام مذاکرات انجام‌شده و گزارش‌های مورد نظر وزارت نفت را به آنها تحویل دادیم.

ورود رئیس‌جمهور و شورای عالی امنیت ملی

در نامه وزیر نفت به رئیس‌جمهور آمده بود: «نظر به اهمیت این قرارداد، چه از ابعاد سیاسی و امنیتی و چه از بعد اقتصادی، ضمن ایفاد یک نسخه از قرارداد امضاشده مستدعی است به هر نحو که آن جناب مصلحت می‌دانند دستور فرمایند موضوع به‌طور کامل مورد بررسی قرار گرفته و در صورت لزوم، اصل قرارداد در شورای عالی امنیت ملی یا هیئت محترم وزیران مطرح و نتیجه با عنایت به محدودیت زمانی به این وزارتخانه ابلاغ شود». محمد خاتمی نیز از محمدعلی ابطحی، رئیس دفترش، خواست در جلسه‌ای با حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی، کمال خرازی وزیر خارجه و بیژن زنگنه وزیر نفت موضوع را بررسی کنند. محمدعلی ابطحی نیز پس از توضیح مذاکرات خود با کمال خرازی، وزیر امور خارجه و اعلام موافقت او با فروش گاز به امارات، به گزارش مذاکرات خود با حسن روحانی دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی اشاره می‌کند و به رئیس‌جمهور می‌نویسد که روحانی مشکل و مخالفت خاصی با اصل فروش گاز به امارات ندارد. پس از آن بود که رئیس‌جمهور در نامه‌ای به وزیر نفت دستور اجرائی‌شدن قرارداد را می‌دهد. وزارت نفت هم که با این پشتوانه احساس محق‌بودن دارد، در جلسه‌ای که در آن محمدحسین عادلی معاون امور اقتصادی وزارت امور خارجه، محمد خزائی معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، محمدمهدی رحمتی معاون زیربنایی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، سیدمحمدهادی نژادحسینیان معاون امور بین‌الملل وزارت نفت، احمد رهگذر معاون مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران و سیدعبدالله حسینی، نعمت‌الله علیرضایی و علی قنبری نمایندگان مجلس شورای اسلامی حضور دارند، برای چندمین بار موضوع را بررسی می‌کند و در نهایت جمع حاضر به اتفاق، درخصوص قرارداد در زمینه افزایش حجم برداشت گاز در قرارداد کرسنت تا سقف ۶۰۰ میلیون فوت مکعب و تعجیل در اجرای قرارداد به توافق می‌رسند. رئیس‌جمهور هم در نهایت در تاریخ ۳۰ اسفند ۱۳۸۱ دستور زیر را ابلاغ کرد: «امور مورد توافق سریعا و با جدیت از طرف دستگاه‌های ذی‌ربط عملی و اجرا شود». دبیر شورای‌عالی امنیت ملی نیز در نامه همین موضوع را تأکید می‌کند.

خوش‌بینی زودهنگام

بااین‌همه همراهی و بررسی همه‌جانبه دیگر به نظر می‌رسید سال ۱۳۸۲ سال اجرای قرارداد کرسنت است. اما این خوش‌خیالی وزارت نفت خیلی زود نقش بر آب شد. این قرارداد که دستاورد امنیتی و سیاسی بسیاری برای ایران به ارمغان داشت، روی کاغذ ماند و هر روز فرصت‌های ایران را کمتر و کمتر می‌کرد. دراین‌میان روزنامه کیهان در گزارش‌هایی به وجود فساد و نبود کارکارشناسی در قرارداد اشاره کرد و رئیس سازمان بازرسی، محمدرضا رحیمی، بارها در سخنرانی‌های خود در نماز جمعه به این قرارداد تاخت و ادعای ضرر ۲۰ میلیارددلاری از بابت این قرارداد برای ایران داشت. سال ۱۳۸۴ دولت تغییر کرد و به نظر نمی‌رسید دیگر امیدی به ادامه حیات این قرارداد وجود داشته باشد. مذاکرات با کرسنت که برای بازنگری و تجدیدنظر در قیمت قرارداد شروع شده بود، تعطیل شد و طرف اماراتی به‌شدت ناراحت شد. در دولت احمدی‌نژاد اختلاف نظر بر لغو یا ادامه قرارداد وجود داشت و دولت به دوگروه تقسیم شده بود. دراین‌میان رئیس‌جمهور و وزیر نفت مشخصا اصرار بر اجرای قرارداد داشتند. اما برخی دیگر با آن مخالف بودند. در همین اثنا و با وجود این اختلاف، پرونده قرارداد کرسنت با اعمال فشارهایی، از دولت و وزارت نفت گرفته شد و به شورای عالی امنیت ملی که آن زمان سعید جلیلی دبیری آن را بر عهده داشت، منتقل شد. در آن زمان شورای امنیت ملی کمترین اطلاعات و نظر تخصصی را دراین‌باره داشت و به نظر می‌رسید می‌خواهند چرخ را از اول اختراع کنند و کل قرارداد را از ابتدا بخوانند و با افراد نزدیک به خود بررسی کنند. افرادی با نگاه سیاسی و امنیتی و البته نگاه جناحی و گروهی پررنگ. سرانجام کرسنت در میانه سال ۱۳۸۸ دعوای خود با شرکت ملی نفت ایران را مطابق قرارداد به داوری بین‌المللی ارجاع می‌دهد و دبیرخانه شورای امنیت ملی در یک اشتباه و نبود آگاهی کامل انگلستان را به‌عنوان مقر داوری می‌پذیرد. این در حالی بود که تمام مدیران ارشد کرسنت شهروندی انگلستان را داشتند و آشنایی تیم حقوقی ایران با مقررات این کشور در کمترین میزان خود قرار داشت.

احمدی‌نژاد موافق، جلیلی مخالف

غلامحسین نوذری، وزیر نفت وقت، در پنجم مرداد ۱۳۸۸ با توجه به ارجاع پرونده به داوری بین‌المللی از احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور می‌خواهد که اقدامی انجام دهد. و آیا نظر او بر اجرای قرارداد است یا خیر؟ سعید جلیلی نیز در ۱۰ مرداد ۱۳۸۸ در نامه‌ای به رئیس‌جمهور می‌نویسد که: قانون حاکم بر این قرارداد قانون جمهوری اسلامی ایران است و مطابق قوانین کشور بسیاری از ادعاهای احتمالی کرسنت پذیرفته نیست و قابل استیفا نیست. در بدترین حالت و طبق گزارش اخیر شرکت ملی صادرات گاز نزدیک به ۸۵۱ میلیون دلار کل مبلغ خسارت احتمالی کشور در صورت فسخ قرارداد خواهد بود که در قیاس با عدم‌النفع و زیان ناشی از اجرای قرارداد رقم چشمگیری نخواهد بود. جلیلی در پایان از احمدی‌نژاد به‌عنوان رئیس‌جمهور می‌خواهد که «دستور فرمایید ضمن تأکید بر مدیریت متمرکز و مدبرانه این پرونده در فرایند حقوقی موجود از ادامه مذاکرات برای اجرای قرارداد ممانعت به عمل آورند و در مسیری که در دبیرخانه این شورا تعقیب می‌شده، تعیین تکلیف شود». اما احمدی‌نژاد در نامه‌ای خطاب به محمدرضا رحیمی، معاون حقوقی رئیس‌جمهور و با رونوشت به وزیر نفت و شورای عالی امنیت ملی، عملا درخواست جلیلی، دبیر شورای عالی امنیت ملی را رد می‌کند و می‌نویسد: آقای رحیمی با همکاری نوذری، وزیر نفت و با توجه به حکمیت و تفاهم کار را جلو ببرید و منافع کشور را حداکثری حفظ کنید.

کرسنت در دادگاه حکمیت، تقاضای ۲۹ میلیارد دلار غرامت و جبران خسارت می‌کند. مبلغ چهار میلیارد دلار بابت تأخیر و ۲۵ میلیارد دلار بابت عدم اجرا و تحویل گاز به مدت ۲۵ سال. سعید جلیلی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی که تمام تلاش و امکان خود را برای اجرانشدن این قرارداد انجام داده بود و پیش از این ادعا داشت که حداکثر ۸۱۵ میلیون دلار خسارت پرداخت خواهیم کرد و این هم در صورت شکست ایران در دادگاه است که بعید است. در روز ۲۵ اسفند ۱۳۸۸ او در نامه‌ای به رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد می‌نویسد که این غرامت ۲۹ میلیارددلاری یک ادعا بیش نیست و تأخیر در صدور گاز هم به دلیل تحریم و عدم بهره‌برداری از سکوی سلمان بوده و نه از جانب ایران. ضمن اینکه فساد در پرونده وجود دارد؛ بنابراین مطابق قوانین نافذ، پیشاپیش قرارداد ملغی است. اما جریان پرونده آن‌گونه که شورای‌عالی امنیت ملی و برخی از همفکرانش در دولت احمدی‌نژاد تصور داشتند، پیش نرفت. نگرانی وزارت نفت و رئیس‌جمهور افزایش یافت. احمدی‌نژاد در پی‌نوشت نامه‌ای در ۲۰ مهرماه ۱۳۸۹ می‌نویسد: «مرکز حقوقی مدیریت کند... نفت همکاری کند... به نظر می‌رسد دست‌های فراوانی در کار است تا از انجام کار مناسب و درست و با رعایت حقوق ملت جلوگیری کنند. باید مراقبت کنید»، اما همچنان کاری پیش نمی‌رود. به نظر می‌رسد توانایی مخالفان اجرای قرارداد کم ارزیابی شده بود. چون هشدار احمدی‌نژاد راه به جایی نبرد، معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری وارد میدان شد تا بلکه ذره‌ای به نفوذ کلام رئیس دولت خدشه‌ای وارد نشود. هرچند بی‌فایده بود و احتمالا دیرهنگام. مجید جعفرزاده، سرپرست معاونت حقوقی و امور مجلس در دولت اول محمود احمدی‌نژاد، در مهرماه ۱۳۸۹ در نامه‌ای به میرکاظمی، سومین وزیر نفت احمدی‌نژاد، می‌نویسد: «مسئولیت پاسخ‌گویی و اجرانشدن دستور ریاست محترم جمهور، ورود خسارات ناشی از اجرانشدن تعهدات و الزامات شرکت ملی نفت ایران در قالب واقعیت قرارداد مستند داوری، ... کوتاهی در اجرای توافقات اصلاحی و نهایی‌شده حاصل حدود پنج ماه مذاکره از طرف این مرکز در سال ۱۳۸۹ و... مستقیما بر عهده وزیر محترم نفت خواهد بود».

این جملات نشان‌دهنده اوج اختلاف در دولت بر سر اجراشدن یا اجرانشدن قرارداد کرسنت است. در هر صورت این قرارداد در دولت احمدی‌نژاد و روحانی و سه سال دولت رئیسی اجرائی نشد و ایران انتظار پرداخت ۲۹ میلیارد دلار غرامت ناشی از اجرانشدن تعهدات خود را می‌کشد. اگر این رقم را به عدم‌النفع ناشی از صادرنکردن گاز ایران اضافه کنیم، شاید در مجموع ۵۰ میلیارد دلار خسارت به کشور وارد شده باشد.

گزارش

داوود سوری، محمد طبیبیان، موسی غنی‌نژاد، فرهاد نیلی و مسعود نیلی از پزشکیان حمایت کردند

بیانیه ۵ اقتصاددان درباره انتخابات

داوود سوری، محمد طبیبیان، موسی غنی‌نژاد، فرهاد نیلی و مسعود نیلی پنج اقتصاددانانی هستند که در بیانیه‌ای به تحلیل انتخابات هشتم تیر پرداختند و دیدگاه خود را درباره انتخابات ۱۵ تیر مطرح کردند.

این اقتصاددانان نوشتند: «انتخابات هشت تیرماه ۱۴۰۳، پیام‌های مهم و متعددی در بر داشت که اینجا فرصت پرداختن به همه آنها نیست. ازجمله نتایج برآمده از این رویداد مهم آن بود که مشخص شد درصد بزرگی از جمعیت صاحب رأی کشور، یا آینده مطلوب خود را در میان هیچ‌کدام از چهره‌های تأییدشده ندیدند، یا نامزدها را در جایگاهی ارزیابی نکردند که بتوانند به آنچه می‌گویند عمل کنند، یا می‌خواستند به مسالمت‌آمیزترین شکل ممکن بگویند که خواستارِ تغییراتی بسیار بزرگ‌تر هستند. نَمی‌توان کتمان کرد که بخشی از آنانی هم که رأی دادند، در حوزه‌هایی، با گروه اول هم‌نظر بودند؛ مگر در این نکته که هنوز رگه‌هایی از امیدِ به بهبود در دل داشتند. شاید همه پیام‌ها را بتوان در این عبارت کوتاه اما بسیار هشداردهنده خلاصه کرد که بخش بزرگی از جامعه، این صندوق رأی را -که می‌تواند مسالمت‌آمیزترین و کم‌هزینه‌ترین ابزار برای حل مشکلات بزرگ از جمله تعارض منافع باشد- ناتوان از انجام مأموریت یادشده ارزیابی می‌کنند».

آنها در ادامه نوشتند: «اینکه آیا همه پیام‌هایی که در رخداد روز هشتم تیرماه توسط مردم داده شد، شنیده هم شده است یا نه را آینده آشکار خواهد کرد. آیا این پیام مهم شنیده شد که ظرفیت‌های در اختیار، برای ایجاد تغییراتی حتی اندک و تدریجی، ولی پایدار و ماندگار در زندگی مردم، در حال زوال است؟

ما در مناسبت‌های دیگر هشدار داده‌ایم که التهاب‌های بزرگ خارجی در کنار چالش‌های عظیم اقتصادی در حوزه‌های آب، انرژی، بودجه و فرابودجه، بانک، صندوق‌های بازنشستگی، و فقر و نابرابری، در یک طرف و التهاب‌های عمیق سیاسی، فرهنگی و اجتماعی داخلی برآمده از شکاف در حال بزرگ‌ترشدن بین‌نسلی در طرف دیگر، جامعه ایران را بسیار ناپایدار کرده است. این شکنندگی ناشی از آن است که حسب تجربه، گروه‌های بزرگی از زنان، جوانان و بخش بزرگی از قشر متوسط، کسانی را که رأی و نظر آنها را در نظام حکمرانی نمایندگی و پیگیری کنند، نمی‌یابند».

این اقتصاددانان همچنین تأکید کردند: «لازم می‌دانیم توجه هم‌وطنان گران‌قدر را به این نکته مهم جلب کنیم که زمین بازی انتخابات روز ۱۵ تیر با انتخابات روز هشتم تیر متفاوت است. کارکرد انتخابات ۱۵ تیر، به‌طور کامل و بسیار تعیین‌کننده، پیشگیرانه و سلبی است. این انتخابات به‌طور ناگزیر، نه برای بیان خواسته‌ها، بلکه برای اعلام ناخواسته‌هاست. برای پیشگیری از تحمیل هزینه‌های بیشتر بر تن نحیف ایران عزیز و ممانعت از حاکم‌شدن باورها و سیاست‌هایی است که بارها نخواستن آنها فریاد زده شده است.

از نظر ما، ابعاد بزرگ مشکلات خارجی و خطرات بزرگ‌تر پیش‌روی مرتبط با آن، در کنار شکاف‌های عمیق و واگرای ناشی از ناترازی‌های مالی و زیست‌محیطی، ظرفیتی را برای تحمل ضربات ناشی از رویکردهای پرهزینه در روابط خارجی و آزمودن ایده‌های توهم‌آلود و علم‌ستیز در مواجهه با مشکلات داخلی، باقی نگذاشته است.

ازاین‌رو، خاضعانه از شما ملت شریف ایران، به‌ویژه زنان و جوانان، دعوت می‌کنیم صرفا برای کاهش احتمال مواجه‌شدن با بحران‌های غیرقابل کنترل و افتادن در مسیر صعب بدون بازگشت، در انتخابات تعیین‌کننده روز ۱۵ تیر شرکت کنید».

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت مناطق مرکزی ایران

تجدید آگهی مناقصه عمومی (دو مرحله ای) شناسه آگهی ۱۷۴۱۰۵۳ نوبت دوم

موضوع: مناقصه عمومی دو مرحله ای شماره م م ن/۱۴۰۳/۵۰۲۱ مربوط به توپکرانی هوشمند خطوط لوله ۱۴،۱۲ و ۱۶ اینچ مناطق عملیاتی شرکت نفت مناطق مرکزی ایران به طول تقریبی ۱۱۲ کیلومتر به روش HR MFL+ TFI
شماره ثبت در سامانه ستاد: ۲۰۰۳۰۹۳۲۲۱۰۰۰۰۱۳

شرکت نفت مناطق مرکزی ایران (سهامی خاص) درنظر دارد موضوع مناقصه فوق الذکر را با مشخصات و شرایط کلی زیر از طریق مناقصه عمومی (دو مرحله ای) به شرکت های واجد شرایط، واگذار نماید.

الف) شرح مختصر کار :پروژهٔ فوق الذکر مختصراً مربوط به توپکرانی هوشمند خطوط لوله ۱۴،۱۲ و ۱۶ اینچ در مناطق عملیاتی شرکت نفت مناطق مرکزی ایران به طول تقریبی ۱۱۲ کیلومتر به روش HR MFL+ TFI می باشد.

ب) مدت، محل و برآورد اولیه اجرای کار:مدت اجرای خدمات ۷۳۰روز و برآورد تقریبی پروژه ۳۰،۱۶۰،۴۶۳،۶۷۲ ریال و ۴۰۷،۰۸۴ یورو و محل اجرای خدمات مناطق عملیاتی شرکت نفت مناطق مرکزی ایران می باشد.

ج) شرایط و مدارک مورد نیاز جهت شرکت در مناقصه (الزامی)

۱) داشتن شخصیت حقوقی و ارائهٔ مدارک ثبت شرکت شامل: آگهی روزنامه رسمی، اساسنامه، آخرین تغییرات، کُد اقتصادی وشناسه ملی شرکت، آدرس دقیق پستی، تلفن ثابت و نمابر(فکس).

۲) دارا بودن توپک های هوشمند (با سایزهای ۱۴،۱۲ و ۱۶ اینچ) با ارائه اسناد مثبته مورد تأیید کارفرما و یا معرفی شرکت توپکران به عنوان همکار(پیمانکار فرعی یا گروه مشارکت) که دارای توپک های هوشمند مورد نیاز به شرح فوق (با ارائه اسناد مثبته مورد تأیید کارفرما جهت توپک های هوشمند) باشد همراه با ارائه توافقنامه مشارکت یا توافقنامه انحصاری فی مابین با عنوان مناقصه و دارای اعتبار زمانی کافی در زمان ارائه به کارفرما.

۳) داشتن گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی معتبر پیمانکاران از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

۴) داشتن صورت های مالی حسابرسی شده سال ۱۴۰۱

۵) داشتن توان ارائه ضمانتنامه بانکی ۱۰،۲۳۸،۴۶۸،۷۷۳ریال به عنوان تضمین شرکت در مناقصه

۶) عضویت در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) و دارا بودن گواهی امضاء الکترونیکی و تکمیل فرم استعلام ارزیابی کیفی موجود در سایت www.setadiran.ir

* شرکت کنندگان می بایست نسبت به ثبت نام در سامانه جامع تجارت ایران(جام) به نشانی ntsw.ir به منظور فراهم نمودن امکان استعلام و تعیین اصالت صورت های مالی حسابرسی شده مناقصه گران از سامانه پردیس اقدام نمایند.

د) مهلت و محل مراجعه متقاضیان : کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا تهیه فهرست مناقصه گران دارای صلاحیت، ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاءالکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. شماره تماس سامانه ستاد در تهران جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۱۴۵۶ و اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام در سایر استانها در سامانه www.setadiran.ir بخش "ثبت نام/پروفایل تامین کننده/مناقصه گر "موجود است. آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی از سامانه ستاد ساعت ۱۰:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۷ و آخرین مهلت ثبت و بارگزاری اطلاعات فراخوان و اطلاعات مورد نیاز جهت ارزیابی کیفی این مناقصه ساعت ۱۰:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۳۱ می باشد.

درصورت نیاز به اطلاعات بیشتر متقاضیان می توانند با تلفن ۸۷۵۲۴۴۴۳ تماس حاصل نمایند.

روابط عمومی شرکت نفت مناطق مرکزی ایران

نوبت اول
شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت فلات قاره ایران

آگهی ارزیابی کیفی عمومی یک مرحله ای
شماره ۱۴۰۳/۰۱۶/م۱

تأمین نیروی انسانی و خدمات مورد نیاز راهبری، مراقبت، تعمیر و نگهداشت تأسیسات و ابنیه ساختمان مرکزی در ستاد تهران و انبار ترانزیت کالا در کرج

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد فراخوان مناقصه فوق الذکر را به صورت یکپارچه (شامل ارائه همزمان اسناد ارزیابی کیفی مناقصه گران و پیشنهادات الف، ب و ج) از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی صرفاً از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir و شماره فراخوان ۲۰۰۳۰۹۳۶۳۱۰۰۱۱۷ انجام خواهد شد و کلیه آگهی ها و دعوت نامه ها، تغییرات، اصلاحات و... صرفاً از طریق سامانه ستاد به اطلاع مناقصه گران رسانده می شود. لازم است پیشنهاد دهندگان در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند.

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار: تلفن: ۲۳۹۴۲۵۷۳-۰۲۱

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت:

مرکز تماس: ۱۴۵۶-۰۲۱ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

شناسه آگهی ۱۷۴۴۳۷۶ روابط عمومی شرکت نفت فلات ق